

ارزیابی کارکرد شهرهای کوچک در نظام شهری استان لرستان با استفاده از مدل‌های ضریب کشش‌پذیری، *TOPSIS* و *L.Q*

سعید ملکی: دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران
الیاس مودت: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران
مهران کرمی^۱: کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

چکیده

امروزه شهرهای بزرگ نواحی متروپلیتن در کشورهای در حال توسعه به شدت در حال رشد هستند. این نواحی تمامی امکانات، خدمات و سرمایه‌های کشور را در خود بلعیده، ولی با این وجود با انواع مشکلات و معضلات شهری دست و پنجه نرم می‌کنند. از طرف دیگر سایر نقاط در این کشورها اعم از شهرهای میانی، کوچک و نقاط روستایی از توسعه عقب مانده‌اند و دچار رکود و توقف پیشرفت خود شده‌اند. پژوهش حاضر با ماهیت توسعه‌ای-کاربردی و روش تحقیق ترکیبی (پیمایش و توصیفی-تحلیلی) به ارزیابی کارکرد شهرهای کوچک در نظام شهری استان لرستان پرداخته است. همچنین با استفاده از مدل‌های ضریب کشش‌پذیری، تاپسیس، ضریب مکانی و نرم-افزار *EXCEL* و *GIS* داده‌ها و اطلاعات، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داده است طی دوره ۱۳۵۵-۱۳۹۰ بیشترین و کمترین ضریب کشش‌پذیری را در بین کل شهرهای استان لرستان به ترتیب شهرهای الیگودرز و دورود با ضریب ۲/۳ و ۰/۲۶- دارا بوده‌اند، همچنین نتایج مدل *L.Q* نشان داده است شهرهای نام برده فعالیت پایه آنها فقط بخش صنعت می‌باشد. در نهایت رتبه‌بندی مدل *TOPSIS* نشان داده شهر بروجرد از لحاظ ایده‌آل منفی کمترین فاصله (۰/۲۱۷) را با ایده آل مورد نظر داشته است.

واژه‌های کلیدی: شهرهای کوچک، نظام شهری، *L.Q*، *TOPSIS*، استان لرستان.

^۱. نویسنده مسئول: mavedate@yahoo.com ۰۹۱۳۳۵۹۴۶۸۱

بیان مسئله:

یکی از مهم‌ترین معضلات کشورهای جهان سوم از جمله کشور ایران، تمرکز بالای جمعیت و امکانات در شهرهای بزرگ و بوجود آمدن نظام نخست شهری و از بین رفتن نظام متعادل شهری است که این پدیده در نتیجه عدم تعادل در پخش امکانات و تسهیلات مختلف در پهنه‌ی سرزمینی و همچنین عدم توجه به توانمندی‌های شهرهای کوچک و میانی می‌باشد. نظام شهری تجسم فضایی اقتصاد سیاسی و نحوه مدیریت سرزمین در یک کشور است. با مطالعه نظام شهری نحوه پخشایش و میزان تعادل جمعیت شهرها مشخص می‌گردد. نظام شهری ایران از الگوی سنتی کهکشانی در قبل از سال ۱۳۰۰ به الگوی زنجیره‌ای به دلیل تمرکز امکانات و خدمات در شهرهای بزرگ متمایل شده است (نظم‌فر و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳). این الگو ضمن برهم زدن روابط منطقی شهرهای کوچک، میانی و بزرگ با یکدیگر، باعث آشفتگی در نظام شهری ایران شده است.

امروزه شهرهای بزرگ نواحی متروپلیتن در کشورهای در حال توسعه به شدت در حال رشد هستند. این نواحی تمامی امکانات، خدمات و سرمایه‌های کشور را در خود بلعیده، ولی با این وجود با انواع مشکلات و معضلات شهری از جمله: کمبود مسکن، بالا رفتن میزان بیکاری، مسأله حاشیه نشینی، مشکل حمل و نقل و نارسایی در عرضه سایر خدمات شهری، همچنین تخریب محیط زیست دست و پنجه نرم می‌کنند. از طرف دیگر سایر نقاط در این کشورها اعم از شهرهای میانی، کوچک و نقاط روستایی از توسعه عقب مانده‌اند و دچار رکود و توقف در سیر پیشرفت خود شده‌اند. تجربیات جهانی بیانگر این واقعیت است که حل مسائل و مشکلات شهرهای بزرگ، تحقق اهداف سیاست تعادل در توزیع فضایی جمعیت و توسعه مناطق در گرو حمایت جدی از شهرهای کوچک است (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۸). با توجه به مشکلات شهرهای بزرگ در کشورهای در حال توسعه، عده‌ای از محققین پیشنهاد کردند برنامه‌ریزی توسعه بر اساس تأکید بر پویایی شهرهای کوچک تهیه شود، زیرا به دلیل وجود امکانات شغلی، تعلیم و تربیت و دیگر نیازهای اساسی، شهرهای بزرگ مقصد نهایی بیشتر مهاجران روستایی و مهاجران شهرهای کوچک است (شکویی، ۱۳۸۷: ۴۱۵). در استان لرستان نابرابری و فقدان تعادل در توزیع بهینه امکانات و منابع با تمرکز امکانات و خدمات در تک شهر مسلط منطقه‌ای، واگرایی و شکاف بین شهرها را موجب شده است. تمرکز صنعت و خدمات و جمعیت در مرکز استان مانع توسعه مناطق شهری کوچک و روستاها گردیده است. به همین جهت، توجه به نقش و کارکرد شهرهای کوچک می‌تواند با کاهش عدم تعادلها، جذب سرریزهای جمعیتی شهرهای بزرگ و ارائه امکانات و خدمات و جمعیت‌دهی به سکونتگاه‌های روستایی نقش مؤثری را در این زمینه ایفا نماید. نظر به اهمیت شهرهای کوچک، این پژوهش به بررسی کارکرد این شهرها در توسعه منطقه‌ای استان لرستان با رویکرد توسعه‌ای می‌پردازد و دارای اهدافی از جمله شناخت قابلیت‌ها و ظرفیت‌های شهرهای کوچک منطقه‌ای استان لرستان، بررسی تأثیرات این شهرها در جهت تعادل بخشی به منطقه و ارائه پیشنهاد در راستای ایجاد امکانات رشد برای شهرهای کوچک می‌باشد. در پژوهش حاضر هدف اصلی بررسی کارکرد شهرهای کوچک در نظام شهری و توسعه منطقه‌ای استان لرستان می‌باشد. و در پی آن اهداف فرعی و فرضیه تحقیق شامل موارد ذیل می‌باشد:

- ارزیابی شهرهای کوچک به لحاظ جمعیتی در نظام شهری استان لرستان.
- ارزیابی شهرهای کوچک به لحاظ اقتصادی در نظام شهری استان لرستان.
- بررسی کارکرد اقتصادی شهرهای کوچک استان لرستان از نظر صنعتی و خدماتی.
- به نظر می‌رسد به لحاظ کارکرد، نقش غالب اکثر شهرهای کوچک استان لرستان صنعتی می‌باشد.

پیشینه نظری تحقیق:

وجود مشکلات ناشی از رشد شهرهای بزرگ، تراکم جمعیت و همچنین مهاجرت روستاییان به این شهرها موجب توجه و تأکید برنامه‌ریزان به تقویت و رشد شهرهای کوچک گردیده است. این اعتقاد وجود دارد که با تقویت شهرهای کوچک علاوه بر این که می‌توان مسیر مهاجرت‌های روستاییان به شهرهای بزرگ‌تر را تغییر داده، می‌توان بسیاری از مشکلات موجود در نواحی شهری را برطرف نمود. زیرا که شهرهای کوچک به واسطه نقش مهم و کارکردی خود در توسعه منطقه‌ای و محلی مورد توجه

بسیاری از برنامه‌ریزان توسعه منطقه‌ای قرار گرفته و پژوهش‌های متعددی در رابطه با نقش و تأثیر این شهرها بر نقاط پسرانه روستایی و تعادل بخشی توزیع فضایی جمعیت در نقاط گوناگون دنیا صورت گرفته است. (جدول شماره ۱).

جدول ۱- خلاصه‌ای از پیشینه داخلی و خارجی تحقیق

نویسنده و سال	موضوع پژوهش	نتایج	مآخذ
راندینی ۱۹۷۸	با طرح رهیافت عملکردهای شهری در توسعه روستایی ایجاد شهرهای کوچک در پیوند عملکردی با حوزه	دولتها قادر هستند در رشد شهرهای کوچک تأثیر بگذارند و توزیع متعادل تری از جمعیت شهری و فعالیت های تولیدی اقتصادی ایجاد نمایند.	مختاری، ۱۳۸۰: ۱۴۱
رودل ۱۳۳۶	توسعه شهرهای کوچک و متوسط روش مناسبی برای توسعه فضایی و ایجاد رشد اقتصادی و تعامل اجتماعی	معتقد است که باید سرمایه ها را از شهرهای بسیار بزرگ به سمت شهرهای کوچک و متوسط سوق داد.	ضرابی ۱: ۱۳۷۹
لیگاله ۱۹۸۶	با بررسی نقش شهرهای کوچک در توسعه ی ملی آفریقا	این شهرها با ارایه ی نقش مرکزیت در حوزه های روستایی به عنوان مراکز محرک توسعه در نواحی روستایی به شمار می آیند.	Ligale, 1982: 9
امونیز ۱۹۸۳	با مطالعه‌ی شهرهای کوچک و میانی به عنوان استراتژی توسعه در کشورهای جهان سوم	ضرورت دستیابی به نظام منطقی سکونتگاهها را در این کشورها ضروری دانسته و تقویت این مراکز منجر به توسعه‌ی روستاها می‌گردد.	Umo, 1983: 9
پایون ۲۰۰۱	در طرح تحقیقاتی خود بر روی شهرهای کوچک	شهرهای کوچک مکان‌های مناسبی برای توسعه کانون های زیستی بوده و مهاجران روستایی را در برخی فعالیت‌های خدماتی جذب می‌کند.	Pawen, 2008: 83
چکریل ۱۹۸۹	در مقاله شهرهای کوچک و توسعه	توان های اقتصادی شهرهای کوچک در جهان سوم جهت جلوگیری از جریان مهاجرت از روستا	ثقی ۱۳۸۸: ۳۷
فراک ۲۰۰۰	در مقاله تحلیل امر مهاجرت و الگوی اشتغال در ۲۲ شهر کوچک برزیل	با فراهم شدن امکاناتی در شهرهای کوچک، توفیقی در مهاجرت‌های روستایی به وجود آمده است.	Fedak, 2000: 68

مآخذ: یافته‌های کتابخانه‌ای نگارندگان، ۱۳۹۳.

نظام شهری: نظام شهری عبارت است از مجموعه‌ای از شهرهای وابسته به هم که ساختار نظام سکونتگاه‌های شهری را در یک ناحیه، منطقه، کشور و جهان پدید می‌آورند. نظام شهری تنها محدود به مجموعه کالبدی از سکونتگاه‌های شهری نیست، بلکه جریان‌ها و ارتباطات میان این سکونتگاه‌ها را نیز در برمی‌گیرد. این جریان‌ها عبارت‌اند از: جمعیت، سرمایه، عوامل تولید، ایده‌ها، اطلاعات و نوآوری (عظیمی، ۱۳۸۱: ۵۳). نظام شهری یا شبکه شهری نمایشی از مجموعه شهرهایی است که عدم تعادل آن‌ها باعث گردیده تا توسعه نامتعادلی از تمامی جهات بیابند و نوعی برتری در شهری به خصوص به ضرر سایر شهرهای منطقه به وجود بیاید. در واقع شبکه شهری عبارت است از ارتباط متقابل مراکز شهری و نظام مبادله‌ای که بین شهرها در رابطه با عملکرد تخصصی آن‌ها به وجود می‌آید (رضوانی، ۱۳۸۲: ۲۸). یکی از مشکلات اساسی توسعه فضایی و ناحیه‌ای، گسیختگی سازمان فضایی و عدم سلسله مراتب مبتنی بر رابطه تعاملی میان سکونتگاه‌ها است (حکمت‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۰۹). در این راستا رشد سریع تعداد شهرها و افزایش جمعیت شهرنشین کشور، موجبات ناموزونی در شبکه شهری ایران را فراهم آمده است. برای همین، شبکه شهری ایران عملکرد سلسله‌مراتبی نداشته و شمار کانون‌های زیستی توزیع فضایی و حجم جمعیتی آن‌ها از یک نظام کارکردی سلسله‌مراتبی تبعیت نمی‌کند. شبکه شهری همچنان در جهت تمرکزگرایی در حال تحول است (ارجمندنیا، ۱۳۷۱: ۵۹).

توسعه شهری: عبارت است از بسیج امکانات بالقوه‌ی اجتماعی، اقتصادی و کالبدی برای بالا بردن محیط زیست شهری و برقراری توازن در کمیت و کیفیت زندگی شهری (ملکی، ۱۳۸۴: ۴۳). بنابراین، در توسعه‌ی شهری باید به برابری و تعادل بین کیفیت و کمیت آن‌چه که احداث می‌شود، از یک سو و از سوی دیگر به تعداد و اندازه‌ی جمعیت شهرنشینی که در این مناطق جای می‌گیرند، اهمیت داد (مشهدی‌زاده دهقانی، ۱۳۷۴: ۴۲۴).

توسعه منطقه‌ای: روند توسعه می‌بایست همراه با افزایش توانایی‌ها به گسترش انتخاب‌های ساکنین منطقه در حوزه‌های اجتماعی-اقتصادی و سیاسی بیانجامد تا توسعه‌ای انسانی باشد (صرافی، ۱۳۷۹: ۴۱). در ایران نگرش به توسعه منطقه‌ای و اقتصادی بر پایه ایجاد قطب‌های رشد و سرمایه‌گذاری‌ها بر روی بخش صنعت، بخصوص بعد از برنامه‌های عمرانی سوم و چهارم قبل از انقلاب موجب گردید (موسوی، ۱۳۸۲: ۱۴۷).

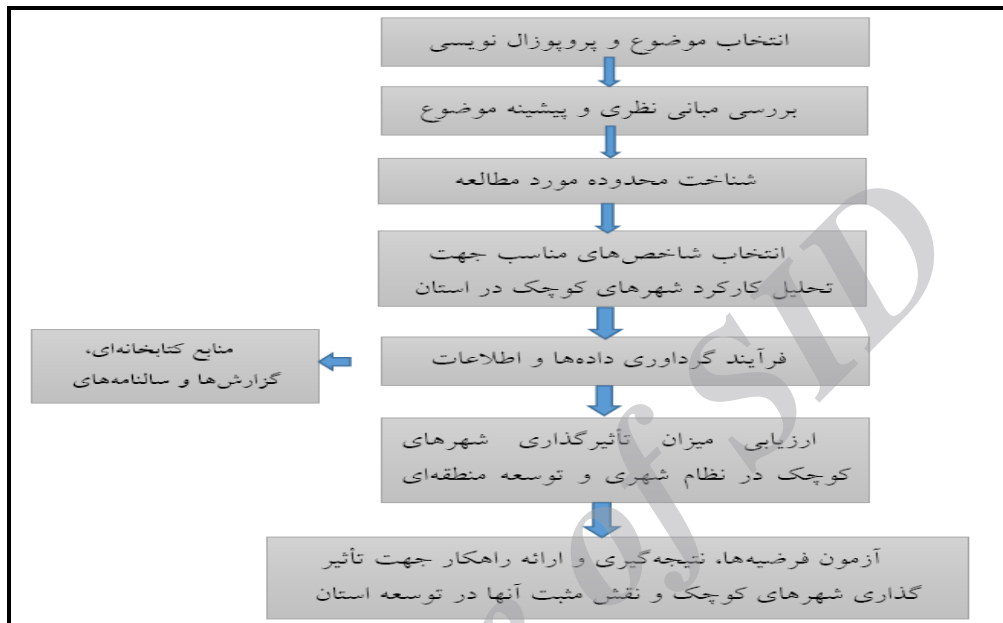
اندازه شهر کوچک: به طور کلی می‌توان گفت معنا و مفهوم شهر کوچک به زمان‌های دور بر می‌گردد که شهرهای ایده‌آل‌گرا و آرمانی را تداعی می‌نماید، مانند شهر آرمانی افلاطون یا اعتقادات ابونصر فارابی که روابط ارگانیک و کارکردی شهر را مدنظر قرار داده بود، یا در دوره‌ای نزدیک‌تر باغشهر هاوارد و دیگران که مطالعات بسیاری در این باره انجام داده و نظریات گوناگونی ارائه نموده‌اند که سبب شده طبقه‌بندی شهرها از دیدگاه‌های گوناگون و در کشورهای مختلف تفاوت‌هایی را دارا باشد. همچنان‌که راندینلی جمعیت شهرهای کوچک را بین ۲۰ تا ۱۰۰ هزار نفر برآورد نموده است (Randinelli, 1983: 206). اندازه شهر در هر کشوری با اندازه بزرگ‌ترین و کوچک‌ترین شهر همان سرزمین تعریف می‌شود. برای ایجاد درک عمومی از آنچه که شهر کوچک خوانده می‌شود. مفهوم کوچک نسبی است و این الگوی سکونت شهری، سطح توسعه یافتگی و ساختمان اقتصادی کشورهای مختلف رابطه دارد (علی بابایی، ۱۳۸۱: ۱۰). برای نمونه ممکن است در کشوری مانند هند به سبب شرایط خاص جمعیتی و اقتصادی، نقاط شهری زیر یکصد و پنجاه هزار نفر را «شهر کوچک» و بالاتر از ده هزار نفر را «شهر» قلمداد کنند. در حالی‌که در کشورهایمانند ایران، شرایط کاملاً متفاوت است. لذا برای هر منطقه مطالعاتی، با توجه به ویژگی‌های آن، از جمله تعداد کل جمعیت منطقه، تعداد شاغلان در بخش‌های اقتصادی و غیره می‌توان طبقه‌بندی و تعریف خاصی را تعیین نمود (فنی، ۱۳۸۸: ۱۱-۱۲).

در ایران بحث شهرهای کوچک برای اولین بار در مطالعات طرح آمایش سرزمین ایران (ستیران) در سال (۱۳۵۶)، صورت گرفته که در آن شهر کوچک به عنوان شهر مرکز محلی در سطح پنجم آورده شده و بدین صورت تعریف شده که شهر کوچک باید در خدمت دشت‌های کوچک منزوی و مناطق حاشیه‌ای و رابطی برای انتقال نفوذ مراکز شهری سطوح بالاتر باشند. تمام این شهرها با یک مرکز مهم شهری ارتباط داشته و جزء لاینفک حوزه نفوذ آن محسوب خواهند شد. این وابستگی بسیار نیرومند بوده و در تمام زمینه‌ها وجود خواهد داشت. از جمله در زمینه خدمات بانکی، عمومی، بازرگانی، تأمین نیازمندی‌های اهالی و غیره. همچنین حوزه نفوذ این شهرها کمتر از ۲۰ کیلومتر خواهد بود (سازمان مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۶: ۶). معیار-های ارائه شده توسط سازمان ملل برای تشخیص شهرهای کوچک از بقیه گروه‌های شهری، رقم یکصد هزار نفر سکنه و کمتر از آن است. تعاریف زیر را سازمان ملل متحد در بررسی شهرهای جهان، جمعیت نرمال را بدون در نظر گرفتن فعالیت تولید و خدمات شهری فرض می‌کند که عبارت‌اند از:

- روستا شهر (زیر ۲۵ هزار نفر).
- شهر کوچک (۲۵ تا ۵۰ هزار نفر).
- شهر متوسط کوچک (۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر).
- شهر متوسط (۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر).
- شهر متوسط بزرگ (۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار نفر).
- شهر بزرگ (۵۰۰ هزار تا یک میلیون نفر).
- شهر خیلی بزرگ (یک میلیون نفر به بالا) (حبیب، ۱۳۷۸: ۸۹).

روش تحقیق:

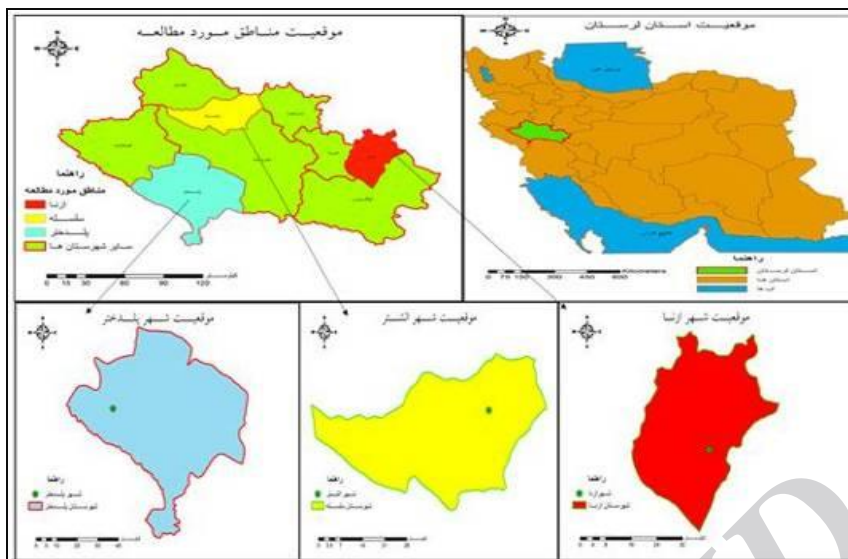
ماهیت این پژوهش نظری- کاربردی بوده و روش تحقیق توصیفی- تحلیلی و پیمایشی می‌باشد. در پژوهش حاضر روش کتابخانه‌ای برای گردآوری مبانی نظری موضوع مورد پژوهش و جهت گردآوری اطلاعات در ارتباط با منطقه مورد نظر از تحلیل آمارها و گزارش‌های سازمان‌های مختلف استفاده گردیده شده است. لازم به ذکر است برای تجزیه و تحلیل این اطلاعات از مدل‌های ضریب کشش‌پذیری، مدل تاپسیس، مدل ضریب مکانی و همچنین از نرم‌افزار *EXCEL* و *GIS* استفاده شده است. (شکل شماره ۱).



شکل ۱- فرآیند انجام پژوهش (مدل مفهومی تحقیق)

شناخت منطقه مورد مطالعه:

استان لرستان با مساحتی حدود ۲۸۳۰۶ کیلومتر مربع در ناحیه جنوب غربی ایران بین ۴۶ درجه و ۵۰ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۱ دقیقه طول شرقی و ۳۲ درجه و ۴۰ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۲۳ دقیقه عرض شمالی از نصف‌النهار گرینویچ واقع شده است. این استان ۱/۷ درصد از مساحت کشور را از آن خود نموده است. در بین شهرستان‌های استان، الیگودرز با مساحت ۵۴۴۴ کیلومتر مربع و دورود با ۱۳۴۹ کیلومتر مربع به ترتیب بیشترین و کمترین مساحت را دارند. میانگین ارتفاع در استان بیش از ۲۲۰۰ متر از سطح دریا است، پست‌ترین نقطه استان با ارتفاع ۲۳۹ متر در دشت‌های استان و بلندترین قله آن اشترانکوه با ارتفاع ۴۰۸۰ متر از سطح دریا در میان رشته کوه زاگرس قرار دارد (مرادی، ۱۳۸۸: ۷۶). استان لرستان از شمال به استان همدان، از شمال شرقی به استان مرکزی، از شرق به استان اصفهان، از جنوب به استان خوزستان، از جنوب شرقی به استان چهارمحال و بختیاری، از غرب به استان ایلام و از شمال غربی به استان کرمانشاه محدود است. (شکل شماره ۲). بر اساس آخرین تقسیمات کشوری و استانی در سال ۱۳۹۰، این استان شامل ۱۰ شهرستان، ۲۵ شهر، ۲۹ بخش و ۸۵ دهستان بوده و مرکز آن شهر خرم‌آباد می‌باشد (سالنامه آماری استان لرستان، ۱۳۹۰).



شکل ۲- موقعیت جغرافیایی استان لرستان و محدوده شهرهای مورد مطالعه

بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰، تعداد کل جمعیت استان ۱۷۵۴۲۴۳ نفر بوده و از این تعداد ۱۰۷۵۹۵۱ نفر (۶۱،۳)، درصد در نقاط شهری و ۶۷۷۴۱۶ نفر (۳۸،۷)، درصد در نقاط روستایی ساکن بوده‌اند. سهم این استان از جمعیت کشور ۲،۳۳ درصد می‌باشد. رشد متوسط سالانه جمعیت استان بین سالهای ۱۳۸۵-۱۳۹۰، ۰/۴۴ درصد بوده است. تعداد کل شهرهای استان به ۲۵ شهر رسیده است که از این میان شهر خرم آباد با جمعیت ۳۵۴۸۵۵ بیشترین جمعیت شهری را به خود اختصاص داده است و شهر هفت چشمه با ۱۰۴۸ نفر دارای کمترین جمعیت شهری می‌باشد. (جدول شماره ۲).

جدول ۲- روند تحولات جمعیتی استان لرستان از سال ۱۳۴۵-۱۳۹۰

سال	جمعیت	رشد متوسط سالانه	جمعیت شهری
۱۳۴۵	۶۸۶۳۰۷	-	۱۶۵۶۳۴
۱۳۵۵	۹۳۲۲۹۷	۳/۱۱	۲۹۴۶۱۸
۱۳۶۵	۱۳۶۷۰۲۹	۳/۹۰	۶۳۹۰۳۸
۱۳۷۰	۱۵۰۱۷۷۸	۱/۹۰	۷۶۰۳۹
۱۳۷۵	۱۵۸۴۴۳۴	۱/۰۸	۸۵۰۰۱۶
۱۳۸۵	۱۷۱۶۵۲۷	۰/۸۰	۱۰۲۰۱۵۰
۱۳۹۰	۱۷۵۴۲۴۳	۰/۴۴	۱۰۷۵۹۵۱

مأخذ: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری استان لرستان طی سالهای ۱۳۴۵-۱۳۹۰.

هیچ فضایی از استان بدون نقطه شهری نیست و آنچه چشمگیر است، عدم تعادل و توازن در استقرار جمعیت به ویژه در مقیاس شهرستانی است. علیرغم توزیع نسبتاً متعادل نقاط سکونتگاهی که تا حدی منتج از شرایط متعادل طبیعی و اقلیمی منطقه است توزیع جمعیت بین کانون‌های شهری و روستایی، قاعده‌مند و یکنواخت نیست. طبق آخرین آمارگیری، سال ۱۳۹۰ از ۱۰۷۵۹۵۱ نفر جمعیت شهری استان حدود ۸۱۳۳۰۵ نفر در چهار نقطه شهری (خرم آباد - بروجرد - کوهدشت - دورود) سکونت دارند و بقیه شهرستان‌های این استان رقم کوچکی از جمعیت شهری را به خود اختصاص داده‌اند. در این استان بیشترین جمعیت فعال از شهر خرم آباد می‌باشد و کمترین درصد جمعیت فعال مربوط به شهر دوره می‌باشد. (جدول شماره ۳).

جدول ۳- توزیع جمعیتی استان لرستان به تفکیک شهرستان در نقاط شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰

شهرستان	جمع	ساکن در نقاط شهری	ساکن در نقاط روستایی
کل استان	۱۷۵۴۲۴۳	۱۰۷۵۹۵۱	۶۷۷۴۱۶
خرم‌آباد	۴۸۷۱۶۷	۳۵۴۸۵۵	۱۳۲۰۳۴
بروجرد	۳۳۷۶۳۱	۲۴۵۷۳۷	۹۱۸۹۴
کوهدشت	۲۱۸۹۲۱	۱۱۱۷۳۶	۱۰۷۰۶۰
دورود	۱۶۲۸۰۰	۱۰۰۹۷۷	۶۱۸۲۳
نورآباد	۱۴۴۱۶۱	۶۲۱۹۰	۸۱۹۷۱
الیگودرز	۱۴۰۲۷۵	۸۹۵۲۰	۵۰۶۹۱
پلدختر	۷۵۳۲۷	۳۲۵۹۴	۴۲۷۳۱
الشتر	۷۳۱۵۴	۳۳۱۳۳	۴۰۰۲۱
ازنا	۷۱۵۶۸	۴۱۷۰۶	۲۹۸۴۲
دوره	۴۳۲۲۱	۳۵۰۳	۳۹۷۰۹

مأخذ: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری استان لرستان، ۱۳۹۰.

چنانچه جدول جمعیتی استان از بالا به پایین مرور شود، پدیده‌ها و خصایص جمعیتی چندی مطرح می‌شوند که شاید برجسته‌ترین آنها تراکم و فشردگی نقاط سکونتگاهی در شهرستان‌های لرستان، در چهار شهر استان (خرم‌آباد، بروجرد، کوهدشت و دورود) است. در مقابل آن شهرستان دوره قرار دارد که با کمترین تعداد ساکن در نقاط شهری و روستایی مطرح است. طبق سرشماری سال ۱۳۹۰ شهر خرم‌آباد با ۳۵۴۸۵۵ نفر جمعیت، بیشترین ساکن در نقاط شهری و شهر دوره با ۳۵۰۳ نفر کم جمعیت‌ترین کانون شهری منطقه بوده است (سالنامه آماری استان لرستان، ۱۳۹۰).

تجزیه و تحلیل یافته‌ها:

در این پژوهش طبق تعریف سازمان ملل، شهرهای ۲۵ تا ۵۰ هزار نفر به عنوان شهرهای کوچک در نظر گرفته شده‌اند (حبیب، ۱۳۷۸: ۸۹). بر این اساس استان لرستان دارای سه شهر با این طبقه‌بندی می‌باشد، که شهرهای پلدختر، ازنا و الشتر می‌باشند. در این پژوهش این سه شهر مورد بررسی و تأکید قرار گرفته است. اما چرا از طبقات مختلف شهری، مقیاس شهر کوچک را برگزیده‌ایم؟ شهر کوچک یا به عبارتی، شهرهای بین ۲۵ تا ۵۰ هزار نفر جمعیت، به چند دلیل مشخص در این پژوهش بر سایر طبقات اندازه‌های شهری ارجحیت داشته است که عبارتند از:

(۱) تا کنون به این شهرها کمتر توجه شده است.

(۲) شهرهای کوچک در جمع‌آوری و ارائه اطلاعات و تجزیه و تحلیل‌های آماری، غنی‌تر و سهل‌الوصول‌ترند؛ به عبارت دیگر، بسیاری از تجزیه و تحلیل‌های منطقه‌ای را که در سطح شهرهای بسیار کوچک (شهرهای زیر ۲۵ هزار نفر) نمی‌توان انجام داد، در این طبقه از شهرها امکانپذیرتر است.

(۳) شهرهای بالای ۵۰ هزار نفری و نیز شهرهای میانی بیشتر در سطح برنامه‌های ملی و کلان‌فرا منطقه‌ای مورد نظرند و کارکردهای آنها در این سطح از برنامه‌ریزی، معنا و مصداق پیدا می‌کند.

(۴) شهر کوچک به مثابه صنعتی کوچک، در راستای حفظ محیط زیست و تعادل زیست محیطی و تحقق توسعه پایدار، حامی و همراه مناسبی است.

- وضعیت شهرهای کوچک استان لرستان:

در منطقه‌ی لرستان، مانند سایر مناطق، ارتباط و تعامل متقابل بین اجزاء وجود دارد. البته این ارتباط متقابل بر حسب وجود امکانات، صنایع، وجود راه‌ها و غیره در بیشتر موارد ارتباطی یک سویه است که در آن شهرهای کوچک‌تر نقش کم‌رنگی ایفا می‌نمایند. در سال ۱۳۹۰ جمعیت استان لرستان ۱۷۵۴۲۴۳ نفر اعلام شده که ۶۱/۳٪ آنها در شهرها زندگی می‌کنند. از این تعداد فقط ۲۴/۴ درصد جمعیت در شهرهای کوچک زندگی می‌کنند. در بین شهرهای استان فقط چهار شهر خرم‌آباد، بروجرد،

دورود و کوهدشت بالای یکصد هزار نفر جمعیت شهری دارند و دارای بالاترین جمعیت شهری هستند. هم‌چنین شهرهای پلدختر، الشتر و ازنا با جمعیتی زیر پنجاه هزار نفر کمترین جمعیت شهری را دارند. از بین شهرهای کوچک استان سه شهر، پلدختر، ازنا و الشتر که طبق تعاریف سازمان ملل بین ۲۵ تا ۵۰ هزار نفر جمعیت دارند برای این پژوهش انتخاب شده‌اند. همان‌طور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود بیشترین رشد جمعیت شهری در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۹۰ مربوط به شهر بروجد، و کمترین آن که رشد منفی داشته و از جمعیت آن کاسته شده، مربوط به شهر دورود می‌باشد. هم‌چنین سه شهر پلدختر، ازنا و الشتر طی دوره ۳۵ ساله جمعیت شهری آنها روندی صعودی و رو به رشد داشته است. بیشترین رشد جمعیت شهری را بین سه شهر مذکور، شهر ازنا در دوره ۱۳۵۵ تا ۶۵ داشته است. در مورد کمترین رشد جمعیت شهری نیز شهر الشتر در دوره ۱۳۸۵ تا ۹۰ از کمترین رشد جمعیت برخوردار بوده است. طی دو دوره اخیر روند رو به رشد جمعیت پذیری این سه شهر کندتر از گذشته شده، که دلیل آن نیز نبود فرصت‌های مناسب شغلی و یا کمبود این فرصت‌ها بوده که باعث شده جمعیت این شهرها به شهرهای هم‌جوار خود مهاجرت کنند.

جدول ۴- روند تحولات جمعیت شهرهای استان لرستان از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰

شهر	جمعیت				
	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
الیگودرز	۲۳۴۶۶	۵۳۸۴۳	۶۹۴۷۷	۷۹۹۷۲	۸۹۵۲۰
ازنا	۹۵۸۴	۲۵۸۲۴	۳۵۴۰۱	۳۹۴۸۵	۴۱۷۰۶
الشتر	۵۷۵۱	۱۴۲۷۴	۲۳۰۲۲	۳۱۴۸۱	۳۳۱۳۳
بروجد	۱۰۱۳۴۵	۱۸۳۸۷۹	۲۱۷۸۰۴	۲۳۴۸۰۹	۲۴۵۷۳۷
پلدختر	۳۶۵۹	۱۱۴۰۹	۱۶۶۷۵	۳۰۵۴۱	۳۲۵۹۴
خرم‌آباد	۱۰۴۹۱۲	۲۰۸۵۹۲	۲۷۲۸۱۵	۳۴۵۰۵۶	۳۵۴۸۵۵
دورود	۲۷۶۲۱	۶۲۵۱۷	۸۸۱۵۲	۱۰۲۳۱۳	۱۰۰۹۷۷
کوهدشت	۱۳۲۴۱	۴۴۶۵۳	۷۲۱۰۵	۹۹۹۶۳	۱۱۱۷۳۶
نورآباد	۸۷۳۴	۲۹۱۸۸	۴۹۱۷۳	۵۶۵۳۰	۶۲۱۹۰

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج طرح تفصیلی استان لرستان، ۱۳۹۰.

- ضریب کشش‌پذیری:

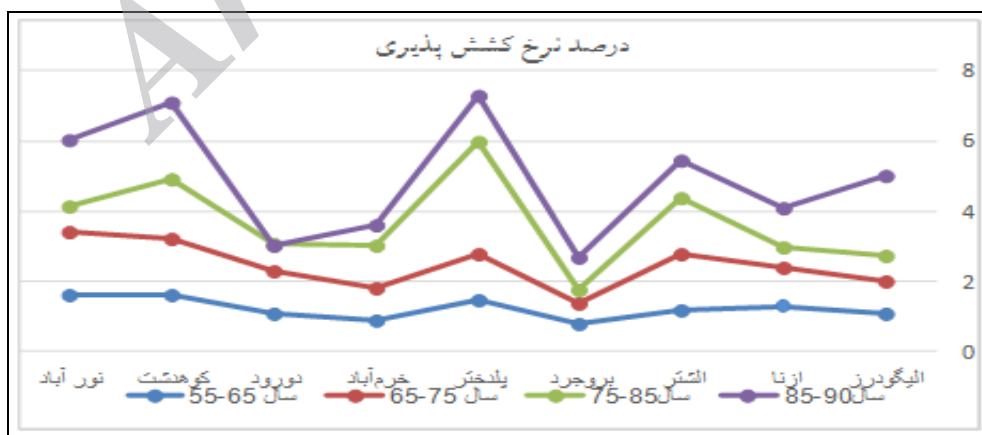
برای سنجش توانایی شهرها در جذب و تثبیت جمعیت در منطقه، از ضریب کشش‌پذیری استفاده شده است. این مدل شاخصی است که به وسیله آن می‌توان درصد جمعیت شهرنشین را در مقابل جمعیت کل برآورد نمود. با توجه به تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته میزان کشش‌پذیری و توان جذب جمعیت شهرهای کوچک استان لرستان طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ با افت و خیزهایی رو به رو بوده است. در سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ بیش‌ترین نرخ رشد جمعیت شهری با ۱/۱۲ را شهر الیگودرز در بین کل شهرهای کوچک استان داشته است. در رابطه با شهرهای مورد مطالعه شهر پلدختر با ۰/۶۵ بیش‌ترین نرخ رشد جمعیت شهری را داشته است. طی همین دوره بیش‌ترین ضریب کشش‌پذیری را در بین کل شهرهای کوچک استان را شهر الیگودرز با ضریب ۲/۳ دارا بوده، هم‌چنین کمترین ضریب کشش‌پذیری مربوط به شهر دورود بوده که با رشد منفی و برابر با عدد ۰/۲۶- بوده که این امر نشان از عدم موفقیت این شهر در جذب جمعیت بوده است. در بین شهرهای مورد پژوهش در سال ۱۳۹۰، شهر پلدختر با ۱/۳ دارای بیش‌ترین ضریب کشش‌پذیری بوده و توانسته جمعیت بیشتری را جذب نماید. این در حالی است که بیش‌ترین ضریب کشش‌پذیری این شهر در دوره ۱۳۷۵ تا ۸۵ با رشدی برابر با ۳/۲ بوده که این رشد در بین تمامی شهرها و در همه دوره‌ها بی‌سابقه بوده است، و دلیل اصلی این رشد جمعیت تبدیل شدن این شهر به مرکز شهرستان پلدختر بوده است. شهرهای ازنا و الشتر نیز ضریب کشش‌پذیری آنها عدد یک و بالاتر بوده که نشان می‌دهد این دو شهر نیز در جذب جمعیت موفق بوده و حتی از شهر خرم‌آباد نیز ضریب کشش‌پذیری بالاتری را داشته‌اند، که این امر بیشتر ناشی از سیاست‌های اخیر دولت در جهت تمرکززدایی از مادر شهرها و گسترش امکانات رفاهی به شهرهای کوچک و میانی بوده است. هم‌چنین کمبود امکانات و تاسیسات مورد نیاز در روستاها باعث هجوم روستائیان به این شهرها شده است.

در دوره ۱۳۷۵ تا ۸۵ ضریب کشش پذیری شهر ازنا به ۰/۵۸ می‌رسد، اما در دوره ۱۳۸۵ تا ۹۰ ضریب کشش‌پذیری این شهر به ۱/۱ رسیده است که دلیل این رشد تأسیس کارخانه‌های جدید در شهر ازنا بوده است. دو شهر الشتر و پلدختر در همین مقطع زمانی ضریب کشش‌پذیری آنها نسبت به دوره گذشته کاهش یافته، که دلیل آن کمبود اشتغال و بیکاری در این دو شهر می‌باشد. در این بین تنها شهری که در این دوره بین سه شهر مورد مطالعه کمترین ضریب کشش‌پذیری را داشته شهر الشتر بوده است. در دوره ۱۳۶۵ تا ۷۵ بیشترین رشد جمعیت شهری با ۵/۲ مربوط به شهر نورآباد، و بیشترین نرخ کشش‌پذیری نیز با ۱/۸ به نورآباد تعلق می‌گیرد. در بین سه شهر مورد مطالعه در همین دوره، نرخ رشد جمعیت شهری در شهر الشتر برابر با ۴/۷ بوده، همچنین نرخ کشش‌پذیری این شهر ۱/۶ بوده است. بعد از شهر الشتر، شهر پلدختر در این دوره نرخ رشد جمعیت شهری آن برابر با ۳/۷ و نرخ کشش‌پذیری آن ۱/۳ بوده است. شهر ازنا نیز با نرخ ۳/۱ رشد جمعیت شهری و با ضریب کشش‌پذیری ۱/۱ در بین سه شهر مورد مطالعه کمترین رشد جمعیت شهری و ضریب کشش‌پذیری را در دوره ۱۳۶۵ تا ۷۵ بین شهرهای مورد مطالعه را داشته است. در دوره ۱۳۵۵ تا ۶۵ بیشترین نرخ رشد جمعیت شهری و ضریب کشش‌پذیری به ترتیب با ۱۲/۱ و ۱/۶ مربوط به شهر کوهدشت بوده است. نرخ رشد جمعیت شهری و ضریب کشش‌پذیری شهر پلدختر در این دوره به ترتیب برابر با ۱۱/۳ و ۱/۵ بوده، در شهر ازنا طی این دوره نرخ رشد جمعیت شهری ۹/۹ و ضریب کشش‌پذیری آن ۱/۳ می‌باشد. نرخ رشد جمعیت شهری، شهر الشتر ۹ و ضریب کشش‌پذیری این شهر ۱/۲ بوده است. (جدول شماره ۵ و شکل شماره ۳).

جدول ۵- نرخ رشد جمعیت شهری و ضریب کشش‌پذیری شهرهای استان لرستان سالهای ۱۳۵۵-۱۳۹۰

شهر	نرخ رشد جمعیت شهری				ضریب کشش‌پذیری			
	۵۵-۶۵	۶۵-۷۵	۷۵-۸۵	۸۵-۹۰	۵۵-۶۵	۶۵-۷۵	۷۵-۸۵	۸۵-۹۰
الیگودرز	۸/۳۰	۲/۵۴	۱/۴۰	۱/۱۲	۱/۱	۰/۸۹	۰/۷۴	۲/۳
ازنا	۹/۹	۳/۱	۱/۰۹	۰/۵۴	۱/۳	۱/۱	۰/۵۸	۱/۱
الشتر	۹	۴/۷	۳/۱	۰/۵۱	۱/۲	۱/۶	۱/۶	۱/۰۴
بروجرد	۵/۹	۱/۶	۰/۷۵	۰/۴۵	۰/۷۹	۰/۵۹	۰/۳۹	۰/۹۲
پلدختر	۱۱/۳	۳/۷	۶/۰۵	۰/۶۵	۱/۵	۱/۳	۳/۲	۱/۳
خرم‌آباد	۶/۸	۲/۶	۲/۳	۰/۲۸	۰/۹۱	۰/۹۳	۱/۲	۰/۵۷
دورود	۸/۱	۳/۴	۱/۴	-۰/۱۳	۱/۰۸	۱/۲	۰/۷۹	-۰/۲۶
کوهدشت	۱۲/۱	۴/۷	۳/۲	۱/۱۱	۱/۶	۱/۶	۱/۷	۲/۲
نورآباد	۱۲/۰	۵/۲	۱/۳	۰/۹۵	۱/۶	۱/۸	۰/۷۴	۱/۹

مآخذ: مطالعات نگارندگان بر اساس اطلاعات آماری مرکز آمار ایران.



شکل ۳- درصد تغییرات نرخ کشش‌پذیری در شهرهای استان لرستان بین سالهای ۱۳۵۵ تا ۹۰

لازم به ذکر است که مدل *TOPSIS* توسط هوانگ و یون در سال ۱۹۸۱، پیشنهاد شد. اساس این تکنیک، بر این مفهوم استوار است که گزینه انتخابی، باید بیشترین فاصله را با راه حل ایده‌آل منفی (بدترین حالت ممکن) داشته باشد. فرض بر این است که مطلوبیت هر شاخص، به طور یکنواخت افزایش یا کاهش می‌یابد. اجرای این تکنیک، مستلزم طی شش مرحله ذیل می‌باشد:

- (۱) کمی کردن و بی‌مقیاس سازی ماتریس تصمیم (N).
- (۲) به دست آوردن ماتریس بی‌مقیاس سازی موزون (V): ماتریس بی‌مقیاس شده (N) را در ماتریس قطعی وزن-ها ($Wn * n$) ضرب می‌کنیم، یعنی: $V = N * Wn * n$
- (۳) تعیین راه حل ایده‌آل مثبت و راه حل ایده‌آل منفی:

$$V+j = V \text{ بهترین مقادیر در ماتریس}$$

$$V-j = V \text{ بدترین مقادیر در ماتریس}$$

- (۴) بدست آوردن میزان فاصله هر گزینه تا ایده‌آل مثبت و منفی:

$$d_i^+ = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^+)^2} \quad i=1,2,3,\dots,m$$

$$d_i^- = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^-)^2} \quad i=1,2,3,\dots,m$$

حال فاصله هر یک از ایستگاه‌ها را تا ایده‌آل مثبت و منفی بدست آورده، که برای این منظور از مراحل فوق استفاده می‌شود (شونیان و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۰۹۵).

- (۵) تعیین نزدیکی نسبی (CL_i^*) یک گزینه به راه حل ایده‌آل:

$$CL_i^* = \frac{CL_i^-}{CL_i^- + CL_i^+}$$

- (۶) رتبه بندی گزینه‌ها: هر گزینه‌ای که CL_i^* آن بزرگ‌تر باشد، بهتر است.

جدول ۶- ماتریس محاسبات مدل تاپسیس در بخش صنعت

شهر	کل کارگاه‌های صنعتی	کارگاه‌های ۴۹ نفر	کارگاه‌های ۵۰ تا ۹۹ نفر	نفر و بیشتر کارگاه‌های ۱۰۰	شاغلان کارگاه‌های صنعتی	مدنی شرکت‌های تعاونی	شاغلان شرکت‌های تعاونی	نقاط شهری مشترکین آب در
پلدختر	۰/۰۰۴	۰/۰۰۳	۰/۰۰۹	۰/۰۰۷	۰/۰۰۳	۰/۰۰۵	۰/۰۰۲	۰/۰۰۴
ازنا	۰/۰۱۱	۰/۰۱۳	۰/۰۰۹	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷	۰/۰۱۳	۰/۰۱۰	۰/۰۰۵
الشتر	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۹	۰/۰۰۷	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۴
الیگودرز	۰/۰۴۵	۰/۰۵۷	۰/۰۰۹	۰/۰۲۲	۰/۰۴۳	۰/۱۴۶	۰/۱۸۹	۰/۰۰۹
نورآباد	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۹	۰/۰۰۷	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۵
کوهدشت	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۹	۰/۰۰۷	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	۰/۰۱۰
خرم‌آباد	۰/۰۳۶	۰/۰۴۱	۰/۰۵۴	۰/۰۰۷	۰/۰۲۸	۰/۰۷۰	۰/۰۷۰	۰/۰۳۸
بروجرد	۰/۰۹۶	۰/۱۱۰	۰/۰۸۱	۰/۰۵۱	۰/۱۳۲	۰/۰۱۳	۰/۰۰۹	۰/۰۲۸
دورود	۰/۰۲۳	۰/۰۲۵	۰/۰۰۹	۰/۰۲۹	۰/۰۴۸	۰/۰۲۱	۰/۰۲۰	۰/۰۱۱
d+	۰/۰۹۶	۰/۱۱۰	۰/۰۸۱	۰/۰۵۱	۰/۱۳۲	۰/۱۴۶	۰/۱۸۹	۰/۰۳۸
d-	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۹	۰/۰۰۷	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۴

منبع: مطالعات نگارندگان، ۱۳۹۳.

بر اساس جدول شماره ۶ شهر بروجرد در شاخص صنعت در رتبه‌ی نخست قرار داشته و نزدیکی نسبی این شهر (۰/۶۴۱) بوده و بر این اساس ایده‌آل منفی و مثبت مابقی شهرها بر پایه نزدیکی نسبی شهر بروجرد سنجیده می‌شود. شهر بروجرد از

لحاظ ایده‌آل منفی کمترین فاصله (۰/۲۱۷) را داشته و بیشترین فاصله را از لحاظ ایده‌آل مثبت (۰/۱۴۱) تا نزدیکی نسبی داشته است. شهر الشتر به عنوان یکی از شهرهای مورد مطالعه که از لحاظ شاخص صنعت در رتبه‌ی آخر قرار می‌گیرد، دارای نزدیکی نسبی (۰/۰۴۴) است و از لحاظ ایده‌آل منفی بیشترین فاصله را از شهر اول که نزدیکی نسبی آن (۰/۶۴۱) بوده را داشته و کمترین فاصله را از لحاظ ایده‌آل مثبت با نزدیکی نسبی داشته است، و دو شهر مورد مطالعه دیگر یعنی ازنا و پلدختر از لحاظ ایده‌آل‌های مثبت و منفی در شاخص صنعت از شهر الشتر وضعیت بهتری داشته‌اند. به طوری که نزدیکی نسبی شهر - های ازنا و پلدختر به ترتیب برابر با (۰/۰۸۱) و (۰/۰۴۷) بوده است. (شکل شماره ۴).



شکل ۴- رتبه‌بندی شهرهای استان لرستان از نظر شاخص صنعت

- روش ضریب مکانی^۱:

این روش یکی از معروف‌ترین نظریه‌های رشد اقتصاد پایه است که تأکید خاصی بر تفکیک فعالیت‌های اقتصادی منطقه دارد. این نظریه، اقتصاد منطقه را به دو بخش پایه و غیرپایه تقسیم می‌کند. ضریب مکانی یکی از روش‌های تحلیل منطقه‌ای و بررسی چگونگی ارتباط آن با دیگر مناطق است. با استفاده از این مدل می‌توان به بررسی فعالیت‌های پایه و تعیین میزان خوداتکایی شهرهای مورد مطالعه در ارتباط با منطقه مورد نظر پرداخت (حکمت نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۸). برای محاسبه و تحلیل پایه یا غیر پایه بودن فعالیت‌های یک شهر یا یک منطقه از مدل مکانی (L, Q) استفاده می‌شود. کارکرد شاغلان در بخش‌های مختلف اقتصادی، متغیری است که تأثیرات کارکردهای را در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی بیان می‌کند. در این بررسی، برای شناسایی و ارزیابی میزان توانایی و قابلیت اقتصادی شهرهای کوچک استان لرستان در سطح منطقه‌ای از روش ضریب مکانی (صباغ کرمانی، ۱۳۸۰: ۱۵۱) استفاده شده است.

نتایج حاصل از مدل ضریب مکانی، حاکی از آن است در بخش صنعت به غیر از شهرهای کوچک، در شهرهای بروجرد، دورود و الیگودرز فعالیت پایه آنها این بخش می‌باشد. این سه شهر در بخش صنعت صادر کننده می‌باشند. میزان ضریب مکانی در بخش صنعت در شهر الیگودرز برابر با ۱/۰۴ این میزان در شهر بروجرد ۱/۳۵ و در شهر دورود ضریب ۱/۵ را نشان می‌دهد. شهرهای پلدختر، ازنا و الشتر در بخش صنعت وارد کننده بوده‌اند و ضریب مکانی آنها در این بخش از عدد یک کمتر بوده است. این ضریب در شهر پلدختر ۰/۴۴ در شهر ازنا ۰/۹۱ و در شهر الشتر ۰/۳۶ می‌باشد.

مطابق تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته اکثریت شهرهای استان فعالیت پایه‌شان را بخش کشاورزی تشکیل می‌دهد. میزان ضریب مکانی در شهر پلدختر در این بخش ۱/۸۵، در شهر الشتر ۱/۵ و این ضریب در شهر ازنا ۱/۴ بوده، که نشانگر آن

^۱. Location Quotient

است این شهرها در بخش کشاورزی صادر کننده محصولات هستند. همچنین شهرهای خرم‌آباد، بروجرد و دورود، بخش کشاورزی فعالیت پایه‌شان محسوب نمی‌شود و وارد کننده محصولات می‌باشند. میزان ضریب مکانی در این بخش در شهر خرم‌آباد ۰/۸۱ در شهر بروجرد ۰/۶۵ و در شهر دورود ۰/۷۲ می‌باشد.

بخش خدمات نیز شهرهای خرم‌آباد و بروجرد این بخش فعالیت پایه‌شان محسوب می‌شود و صادر کننده خدمات می‌باشند. ضریب مکانی شهر خرم‌آباد در این بخش ۱/۳ بوده که این ضریب در شهر بروجرد ۱/۲۲ می‌باشد. سه شهر مورد مطالعه در بخش خدمات وارد کننده بوده‌اند و فعالیت غیرپایه‌ای شان محسوب شده، به طوری که ضریب مکانی هر کدام کمتر از عدد یک می‌باشد. این ضریب در شهر پلدختر برابر با ۰/۸۵ در شهر ازنا برابر با ۰/۸۳ و در شهر الشتر ۰/۶۲ بوده است. (جدول شماره ۷).

جدول ۷- محاسبات ضریب مکانی یا اقتصاد پایه در شهرهای استان لرستان

شهر	$L.Q$ (کشاورزی)	$L.Q$ (صنعت)	$L.Q$ (خدمات)
پلدختر	۱/۸۵	۰/۴۴	۰/۸۵
ازنا	۱/۴	۰/۹۱	۰/۸۳
الشتر	۱/۵	۰/۳۶	۰/۶۲
الیگودرز	۱/۳۴	۱/۰۴	۰/۷۸
نورآباد	۱/۴۷	۰/۴۸	۰/۷۳
کوهدشت	۱/۳	۰/۷۷	۰/۹۱
خرم‌آباد	۰/۸۱	۰/۸۶	۱/۳
بروجرد	۰/۶۵	۱/۳۵	۱/۲۲
دورود	۰/۷۲	۱/۵	۰/۹۸

منبع: مطالعات نگارندگان، ۱۳۹۳.

نتیجه‌گیری:

امروزه در کشورهای جهان سوم به دنبال افزایش معضلات و مسائل ناشی از رشد شهرگرایی و تمرکز نامطلوب در شهرهای بزرگ، جمعیت و روند برنامه‌ها و تحقیقات به نفع شهرهای کوچک تغییر یافت و اکنون در اکثر کشورهای روبه رشد، یکی از وجوه مشخص سیاست‌های برنامه‌ریزی و عمران منطقه‌ای، جهت گیری به سود شهرهای کوچک می‌باشد. همان طوری که بیان شده، هدف این پژوهش بررسی کارکرد شهرهای کوچک در نظام شهری و توسعه منطقه‌ای استان لرستان است. در رابطه با نقش شهرهای کوچک به لحاظ جمعیتی و تأثیرات مثبت در نظام شهری استان لرستان در ابتدا با استفاده از روش تحلیل ضریب کشش پذیری، مدل $L.Q$ و $TOPSIS$ شهرهای کوچک منتخب را مورد بررسی قرار داده‌ایم و بر این اساس نتایج ذیل حاصل گردید:

ضریب کشش‌پذیری در شهرهای مورد مطالعه عدد یک را نشان می‌دهد این شهرها در جذب جمعیت حوزه اطراف خود موفق بوده‌اند، اما جذب جمعیت بیشتر از روستاهای اطراف خود بوده، که دلیل آن را می‌توان در نبود امکانات و تسهیلات همچنین جذابیت بیشتر شهرها برای روستاییان دانست. دلیل دیگر جذب جمعیت در شهرهای مورد مطالعه سیاست‌های اخیر دولت در جهت تمرکز زدایی از مادر شهرها و گسترش امکانات رفاهی به شهرهای کوچک و میانی بوده است. این شهرها به دلیل کمبود اشتغال و سرمایه نتوانسته‌اند از دیگر شهرهای همجوار خود جمعیت جذب نمایند. شهر پلدختر در در سالهای ۸۵-۹۰ برابر با ۱/۳ بوده که حاکی از توان جذب جمعیت این شهر است. دلیل اصلی این توان جذب جمعیت مهاجرت‌های بی‌رویه ساکنین روستاهای اطراف به این شهر می‌باشد. همچنین این ضریب در شهر ازنا برابر با ۱/۱ بوده که نشان دهنده کشش پذیری جمعیت در این شهر است. در شهر ازنا علاوه بر مهاجرت از روستا به شهر احداث کارخانه‌های جدید نیز در جذب جمعیت تأثیر داشته‌اند.

بنابراین در مورد اینکه شهرهای کوچک به لحاظ جمعیتی تأثیر مثبتی در نظام شهری استان داشته‌اند، تأیید شده است. همچنین در مورد اینکه شهرهای کوچک به لحاظ اقتصادی تأثیر مثبتی در نظام شهری استان لرستان داشته‌اند، از مدل

تأسیس استفاده شد که در نهایت مشخص شد که شهرهای کوچک از لحاظ اقتصادی نتوانسته‌اند تأثیر مثبتی در نظام شهری استان بگذارند و موفق عمل کنند. زیرا در بخش کشاورزی شهر پلدختر دارای شاخص اولویت ۰/۲۲۹ بوده و در رتبه‌ی ۹ قرار دارد.

بنابراین در مجموع این شهرها به لحاظ اقتصادی موفق نبوده‌اند. در رابطه با اینکه به نظر می‌رسد به لحاظ کارکرد اقتصادی نقش غالب اکثر شهرهای کوچک استان لرستان صنعتی و خدماتی بوده است، طبق یافته‌های مدل ضریب مکانی نقش غالب این شهرها کشاورزی می‌باشد، و اینکه نقش شهرهای کوچک صنعتی و خدماتی بوده رد می‌شود. مطابق نتایج حاصل شده در شهر پلدختر، بخش کشاورزی با ضریب مکانی ۱/۸۵ فعالیت پایه‌اش محسوب شده، و بخش‌های صنعت و خدمات فعالیت غیر-پایه‌ای در این شهر می‌باشند. در شهر ازنا نیز بخش کشاورزی فعالیت پایه بوده و ضریب مکانی آن ۱/۴ می‌باشد و دو بخش دیگر در این شهر فعالیت غیرپایه محسوب می‌شوند. در شهر ازنا بخش صنعت به نسبت از دو شهر دیگر ضریب مکانی بیشتری را داراست که دلیل آن توجه بیشتر در این رابطه و ایجاد مراکز صنعتی جدید در سالهای اخیر به بالا بودن ضریب مکانی آن کمک فراوانی نبوده است. بخش کشاورزی در شهر الشتر با ضریب مکانی ۱/۵ فعالیت پایه و اصلی این شهر بوده همچنین بخش صنعت و خدمات نیز فعالیت غیرپایه را تشکیل می‌دهند. دلیل اصلی که شهرهای کوچک نتوانسته‌اند در بخش صنعت و خدمات تأثیر مثبتی داشته باشند، توجه کمتر به سرمایه‌گذاری در این خصوص بوده است.

منابع و مآخذ:

۱. ارجمندنیا، اصغر (۱۳۷۱): «نقش شهرهای میانه و کوچک در نظام اسکان جمعیت»، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، مؤسسه اطلاعات، شماره ۲۹، تهران، صص ۴۷-۶۳.
۲. باقری، اشرف السادات (۱۳۷۵): نقش شهرهای میانی در توسعه ناحیه‌ای، رساله دکترا، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
۳. تقوایی، مسعود و مریم رضایی (۱۳۷۸): «نقش شهرهای کوچک در توسعه منطقه ای»، مجله بنا، شماره سی و هفتم، تهران، صص ۳۰-۵۵.
۴. حبیب، فرخ (۱۳۷۸): «سلسله مراتب شهری»، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۳۸، تهران، صص ۸۹-۱۰۵.
۵. حسامیان، فرخ؛ اعتماد، گیتی و محمدرضا حائری (۱۳۷۷): شهرنشینی در ایران، انتشارات آگاه، چاپ سوم، تهران.
۶. حکمت نیا، حسن و میرنجف موسوی (۱۳۸۵): کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه ریزی شهری، انتشارات علم نوین، یزد.
۷. رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۲): رابطه شهر و روستا، نشر ماکان، تهران.
۸. رضوانی، محمد رضا؛ اکبریان، سعید رضا و علی گلی (۱۳۸۶): «نقش و عملکرد شهرهای کوچک در توسعه روستایی با استفاده از روش تحلیل شبکه، مورد: دهستان رونیز»، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۱، تهران، صص ۱۹-۳۱.
۹. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان لرستان (۱۳۷۵): گزارش اقتصادی و اجتماعی شهرستان پلدختر.
۱۰. سازمان مسکن و شهرسازی (۱۳۷۶): طرح کالبدی منطقه آذربایجان، شبکه شهرها و خدمات، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، جلد اول، تهران.
۱۱. شکویی، حسین (۱۳۸۷): دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، جلد اول، انتشارات سمت، چاپ یازدهم، تهران.
۱۲. صرافی، مظفر (۱۳۷۹): مبانی برنامه ریزی توسعه منطقه ای، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی، تهران.
۱۳. ضرابی، اصغر (۱۳۷۹): «آینده شهرها: برنامه ریزی توسعه پایداری شهری»، مجموعه مقالات اولین همایش مدیریت توسعه پایدار در نواحی شهری، دانشگاه تبریز، صص ۱-۲۲.
۱۴. علی بابایی، محمدرضا (۱۳۸۱): بررسی نقش شهرهای کوچک در تعادل بخشی فضایی جمعیت استان سیستان و بلوچستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان.
۱۵. فنی، زهره (۱۳۸۸): شهرهای کوچک رویکردی دیگر در توسعه منطقه ای، ویرایش جدید، انتشارات آذرخش، چاپ سوم، تهران.

۱۶. مختاری، آیت الله (۱۳۸۰): راهبرد های بهینه توسعه فضایی استان فارس، پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشگاه شیراز.
۱۷. مرادی، فریبرز (۱۳۸۸): سند توسعه منابع طبیعی و آبخیزداری استان لرستان در افق ۱۴۰۴، اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان لرستان، نشر پونه.
۱۸. مشهدی‌زاده دهاقانی، ناصر (۱۳۷۴): تحلیلی از ویژگی‌های برنامه ریزی شهری در ایران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
۱۹. ملکی، سعید (۱۳۸۴): «بررسی و سنجش شاخص‌های توسعه انسانی در ایران و جهان»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره اول، ایلام، صص ۳۷-۵۷.
۲۰. موسوی، میرنجف (۱۳۸۲): سنجش درجه توسعه یافتگی نواحی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا، دانشگاه یزد.
۲۱. نظریان، اصغر (۱۳۷۴): جغرافیای شهری ایران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ اول.
22. Bell, D and Jayne, M. (2006): *the study of urban geography Australian*.
23. Culling, W, and Nadin, B. (2006): *Town and Country Planning in The UK*.
24. Fedak, R. (2000): *small towns and industry growth in India, Dehlei*.
25. Gaile, G. (1992): *improving rural – urban linkages through small towns market – based development; third world planning review, vol. 14, pp 18-34*.
26. Hardoy. G. and satterth, W. (1986): *The role of small and intermediate urban centers in the national & regional development, London Trento*.
27. Ligale, A.N. (1982): *The Role Small and Intermedia Cities in National Development*
28. Rondinelli, D.A. (1983): *Secondary Cities in Developing Countries, Sage Publications*.
29. Silberfein, M. (1998): *The role of a small town in rural Development, studies in comparative International Development, vol.23, pp 31-56*.
30. Tavernieh, N. (2008): *Paradigms of regional development and role of small centers, Amesterdam*.
31. UNCHC (2009): *small town and its position in third world, NewYork*.